

## احزاب سیاسی؛ راهبردها و کاربردها

داکتر قربانعلی هادی\*

### چکیده

حزب تجمع گروهی از مردم در یک تشکیلات سازمان یافته است که برای کسب قدرت سیاسی و ارائه خدمات اجتماعی تلاش می‌کند. بر اساس تحولات سیاسی و فرهنگی، نوسازی و توسعه سیاسی و بهینه‌سازی قدرت، ضرورت دارد که احزاب شکل بگیرند. این پژوهش به منظور تبیین کارکردها و راهبردهای احزاب و مقایسه آن با سایر گروه‌های اجتماعی به روش تحلیلی-توصیفی انجام شد. مهم‌ترین کاربردهای احزاب، بهینه‌سازی قدرت سیاسی از طریق نظارت، کسب قدرت و ایجاد انسجام ملی است. احزاب سیاسی با راهبردهایی چون دینی، طبقاتی و رادیکال، شکل گرفته و در پی تحقق اهداف خود در داخل نظام سیاسی هستند. گروه‌های اجتماعی در مقایسه با احزاب سیاسی، عاری از انسجام تشکیلاتی بوده و بیش‌تر در صدد کسب قدرت سیاسی و کادرسازی نیستند. برخی از گروه‌های اجتماعی با کشتار، ایجاد ترس و تخریب اموال عمومی، به‌عنوان باغی و محارب، تحت تعقیب قرار می‌گیرند. تعامل و هم‌پذیری بین قدرت حاکم، مردم و احزاب، می‌تواند دولت را مترقی و امنیت ملی را تأمین نماید. واژگان کلیدی: تشکیلات، جامعه، حزب سیاسی، گروه اجتماعی، کاربرد و راهبرد، قدرت سیاسی، تکثرگرایی.

\* نویسنده و پژوهشگر.

## ۱. مقدمه

انسان‌ها از دیرباز برای زندگی بهتر در کانون قبایل و طوایف با رعایت قوانین موضوعه خود می‌زیستند. آنان تا هنوز به شیوه‌های مختلف برنامه‌های خوبی برای نیکوزیستن و آرامش خود تدوین می‌کنند که پدیده حزب را می‌توان یکی از آن روش‌ها نام برد. راه‌کارها و مدیریت سالم سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، از جمله ارکان چرخش، پویایی و پایایی یک جامعه‌اند. بدون سلامت نظام و نهادهای سیاسی چون احزاب، اجتماع و اقتصاد یک کشور بیمار خواهند بود. سلامت سیاسی یک جامعه دموکراتیک و نگرانی از دستاوردهای ملی و دموکراسی در آن جامعه، به شرکت مستمر و مستقیم افراد جامعه نیاز دارد. اما مردم نمی‌توانند انفرادی و یا در گروه‌های کوچک در امور سیاسی و حکومت‌داری خوب اثرگذار باشند؛ لذا وجود احزاب و گروه‌های کلان سیاسی دارای مرام‌نامه و اهداف عالی ملی و کشوری از اهمیت خاصی برخوردار است؛ بدین‌سان، اشخاص در قالب تشکل منسجم و هدفمند (حزب)، برای حکومت‌داری خوب و خدمت‌رسانی تشکیلاتی تلاش می‌کنند.

### ۱-۱. بیان مسئله

مفهوم حزب، به شکل امروزی، زمینه‌های غربی دارد و ره‌آورد مدرنیته در غرب است؛ اما امروزه با توسعه امور کشورداری، ایجاد تحول و پیشرفت در مسائل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی ضرورت دارد که نهادهای سازمان‌یافته‌ای چون احزاب سیاسی در کنار و یا در داخل نظام سیاسی، پیشبرد بخشی از فعالیت‌های نظام سیاسی و خدمات اجتماعی-مدنی را به عهده بگیرند. در این مقاله، کارکردها و راهبردهای احزاب و مقایسه مفهومی بین احزاب و سایر گروه‌های اجتماعی-سیاسی با مراجعه به منابع علوم سیاسی و اجتماعی مورد پژوهش قرار می‌گیرد. سؤالات عمده تحقیق حاضر این‌ها هستند که احزاب سیاسی چیست؟ کارکردهای احزاب سیاسی کدامند؟ استراتژی و راهبردهای احزاب چگونه تحلیل می‌شوند؟ چه تمایزاتی بین گروه‌های اجتماعی و احزاب سیاسی وجود دارد؟ در این راستا، فرضیه‌های ذیل قابل تصور هستند. احزاب سیاسی با تشکیلات منظم، دارای کاربردهای آموزشی، سیاسی و فعالیت غیرمسلحانه هستند. وجه تمایز اساسی احزاب با گروه‌های اجتماعی، تلاش «سیاسی» برای کسب قدرت سیاسی است.

### ۱-۲. مفهوم‌شناسی حزب

حزب به مفهوم نوین آن، دستاورد دموکراسی جدید غرب است و قبل از آن به شکل امروزی وجود نداشته است و با پیدایش نظام‌های دموکراتیک مطرح گردید. واژه حزب «Party» از «Partir»

به معنای رفتن و قسمت کردن اتخاذ شده است. در قرن نوزدهم، واژه Party با گرایش فکری مترادف بود؛ گرایشی که اندیشه‌های یک طبقه یا گروه اجتماعی را به نمایش می‌گذارد (نقیب‌زاده، ۱۳۷۸: ۱۳). راغب اصفهانی در تبیین مفهوم قرآنی آن بر این باور است که حزب به جماعتی اطلاق می‌شود که با شور و حماسه، از آرمان‌های مشترک خود دفاع کنند (راغب اصفهانی، ۱۴۲۳: ۲۳۴). در ادبیات قرآن کریم، به تجمع گروهی که بر اندیشه و هدف واحدی توافق داشته و از آن با حمیت دفاع کنند، حزب اطلاق شده است (مصطفوی، ۱۳۶۱: ۳۴).

تعریف‌های گوناگونی از حزب شده است که جهات مختلف حزب، چون کارویژه، استراتژی و رفتار اعضا، را در تعاریف مدنظر قرار داده‌اند؛ به عنوان نمونه، یکی از اندیشمندان علوم سیاسی، حزب سیاسی را چنین تعریف می‌کند: هیئتی از مردم است که به خاطر پیشبرد منافع ملی با کوشش بر اساس برخی اصول سیاسی مورد توافق، متحد شده‌اند (عالم، ۱۳۷۵: ۳۴۳). در تعریف دیگر، حزب سیاسی مرکب از گروهی از شهروندان کم‌ویش سازمان‌یافته است که به عنوان یک واحد سیاسی عمل می‌کنند و با استفاده از حق رأی خود می‌خواهند بر حکومت تسلط پیدا کنند و سیاست‌های عمومی خود را عملی سازند (همان).

برخی در تعریف حزب به مؤلفه‌های محتوایی آن توجه دارد: حزب، شکل خاصی از سازمان‌دهی نیروهای اجتماعی است که به هدف کسب قدرت و یا حفظ آن و یا نقش‌آفرینی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی شکل می‌گیرد. منشأ هم‌گرایی آن‌ها، آرمان‌ها، باورها و دیدگاه‌های مشترک سیاسی-اجتماعی است که در ضمن مرام‌نامه یا اساس‌نامه نوشته یا نانوشته‌ای به اجرای آن متعهد می‌شوند.

موریس دورژه در تعریف حزب دو چیز را برجسته می‌داند: این که حزب متشکل از گروه‌های به هم پیوسته است و دیگر تلاش‌ها در حزب برای کسب قدرت می‌باشد: یک حزب مجموعه‌ای از گروه‌های پراکنده در اطراف کشور است که به وسیله سازمان‌های هماهنگ‌کننده به هم پیوسته‌اند و مهم‌ترین وظیفه سازمان حزبی، تلاش برای کسب قدرت است (دورژه، ۱۳۵۷: ۱۸)؛ بنابراین، مفهوم حزب را می‌توان گفت که گروهی از مردم هستند که با آرمان‌ها و منافع مشترک، در یک تشکیلات منظم و سازمان‌یافته با پشتیبانی توده‌ای از مردم در داخل یک نظام حکومتی و یک کشور برای نیل به اهداف سیاسی خود تلاش می‌کنند. حزب سیاسی تمایز یافته، دارای ارکان رهبری، سازمان پایدار، پایگاه مردمی و مبارزه برای کسب قدرت سیاسی است. برخی صاحب‌نظران معتقدند که حزب می‌تواند دارای حوزه، واحد، بخش، کمیته، کمیته مرکزی و کنگره باشد (آقابخشی، ۱۳۸۳: ۴۹۳). از مجموع تعاریف برای «حزب» می‌توان چهار عنصر اصلی زیر را به عنوان مؤلفه‌های مقوم احزاب سیاسی مطرح کرد: ۱) تکررگرایی، پلورالیسم سیاسی و پذیرش فعالیت‌های حزبی؛ ۲) رقابت سیاسی

یا تلاش برای کسب قدرت سیاسی و یا کرسی پارلمان؛ ۳) مشارکت سیاسی و تلاش برای اعمال نفوذ در تصمیم‌گیری‌ها؛ ۴) انتخابات و حق رأی یا تلاش برای دستیابی به آرای بیش‌تر جهت تأمین اهداف و منافع حزب.

### ۳. پیشینه و خاستگاه احزاب سیاسی

#### ۳-۱. پیشینه حزب در غرب

خاستگاه حزب در غرب مدرنیته است و سکولاریسم و اومانیزم، مبانی معرفت‌شناختی غرب و پلورالیسم سیاسی از شاخصه‌های مهم شکل‌گیری احزاب سیاسی به شمار می‌روند. نخستین بار، «ادموند برک» درباره احزاب سخن گفته است. این امر پس از آن بود که با تحولات ناشی از رنسانس، حاکمیت از آن مردم دانسته می‌شد (پیشه‌وری، بی تا: ۷۲). پس از او، «جیمز مدیسن» حزب را ضرورتی انکارناپذیر دانست. وی دیدگاه‌های متنوع افراد درباره حکومت، تنوع عقاید مذهبی و توزیع ناعادلانه ثروت را برترین خاستگاه این امر برمی‌شمرد (همان، ۷۳). درباره خاستگاه احزاب در غرب نگره‌های گوناگونی ذکر شده است (محمدی‌نژاد، ۱۳۵۵: ۱۷). نخستین مرکز ظهور و رشد سیستم حزبی در قرون جدید در انگلستان بوده است که از قرن ۱۷ و ۱۸ آغاز شده؛ اما در قرن ۱۹ شکل حزب را به خود گرفته است.

موریس دورژه حزب را مولود پارلمانتاریسم می‌داند: احزاب سیاسی همزمان با آیین‌های انتخاباتی و پارلمانی به وجود آمده‌اند و توسعه آن‌ها توأمان صورت گرفته است (دورژه، ۱۳۴۹: ۱۳۷). برخی نیز حزب را ضرورتی در جهت فرایند توسعه و نوسازی خصوصاً در غرب برمی‌شمرند. حداکثر پیشینه حزب به دو سده اخیر برمی‌گردد که با حزب و قبیله‌ای که در گذشته مطرح بوده است، تمایز اساسی دارد. روند بسط سکولاریسم و دنیوی‌گرایی در غرب و حذف نهادهای کلیسایی، موجب خلأهایی گشت که حزب در جهت پر کردن آن خلأها مطرح شد (سو، ۱۳۷۸: ۴۱). «اشپلنگر» پیدایش احزاب را از مظاهر شهرنشینی جدید برمی‌شمرد و معتقد است از زمانی که شهرها از روابطی که با ولایات اطراف داشتند آزاد شدند، سیاست دودمانی جای خود را به سیاست حزبی داد (اشپلنگر، ۱۳۶۹: ۴۹).

#### ۳-۲. پیشینه حزب در شرق

حزب در ادبیات فارسی و عربی از پیشینه زیادی برخوردار است. بر اساس نظریه سیاسی اسلام می‌توان چهار نظریه عمده را در زمینه پیدایش احزاب سیاسی مطرح نمود: ۱) بیش‌تر علمای اهل سنت حزب را از جهات مختلف مغایر با مبانی دینی می‌دانند؛ ۲) احزاب سیاسی معاصر همان حزب‌الله و

حزب الشیطان قرآن است که در صدر اسلام هم سابقه دارد؛ (۳) حزب دارای مبانی و ریشه‌های اسلامی است و پذیرش آن با مفاهیم دینی مغایرتی ندارد؛ (۴) حزب در مفهوم مصطلح امروزی، حاوی نقایصی است که در صورت رفع آن‌ها قابل پذیرش است (اخوان کاظمی، ۱۳۸۸: ۱۱)؛ بنابراین، مجریان جامعه می‌بایست بر اساس اجتهاد در متون دینی و عرف جامعه، زمینه‌های تحقق احکام و مبانی اسلامی را از طریق تشکل سازمان‌یافته (حزب) فراهم نمایند. در اسلام شاخص‌های حزب بر اساس آیات قرآن تبیین می‌شود (احمدحسین، ۱۴۱۲: ۲۶۹).

بعضی معتقدند که واژه حزب در متون دینی اشاره به نحله‌ها و جریان دینی داشته و ارتباطی با حزب مصطلح امروزی ندارد؛ اما برخی دیگر روش‌های سنتی فقها را در فهم مقوله‌هایی چون حزب ناکارآمد دانسته و باورمند هستند که با رویکردی مدرن باید به تبیین دین پرداخت (مجتهد شبستری، ۱۳۷۹: ۱۸)؛ بدین طریق می‌توان حزب سیاسی اسلامی را رصد نمود. برخی از صاحب‌نظران معتقدند اگر آزادی، عقل‌گرایی و مسئولیت فرد در زندگی سیاسی را مهم‌ترین مبانی شکل‌گیری احزاب سیاسی تلقی کنیم، کلام و فقه شیعه بیش‌ترین مراتب را با مبانی فوق، یعنی مبانی شکل‌گیری احزاب، نشان می‌دهند (فیرحی، ۱۳۷۸: ۳/۹۹). بعضی دیگر با پذیرش اصل تکثرگرایی و تعدد مذاهب فقهی که در عین وحدت شریعت اسلامی وجود دارد، زمینه‌های پیدایش احزاب سیاسی را به نمایش گذاشته‌اند (عمار، ۱۹۹۷: ۱۶۵).

### ۳-۳. زمینه‌های پیدایش احزاب سیاسی

۱) سیستم کثرت‌گرایی سیاسی، از نظر فنی، سیستمی است که از چندین مرکز قدرت و اقتدار برخوردار است و دولت به‌عنوان تنها نظام کنترل‌کننده مردم مطرح نمی‌باشد. کثرت‌گرایی سیاسی خود یکی از مؤلفه‌های مقوم احزاب سیاسی است؛ چون متضمن نوعی توزیع قدرت، پذیرش افکار و آرای مختلف از جمله احزاب می‌باشد. (۲) کثرت‌گرایی اعتقادی؛ در نظام و جامعه‌ای که تکثر اعتقادی مورد پذیرش بوده و هیچ نوع سرکوب و استبدادی در آن حاکم نباشد، پیدایش احزاب و فعالیت‌های جمعی با تکثر اعتقادی فرهنگی امر طبیعی و میسور خواهد بود. در اسلام، خصوصاً در متون فقهی، عقل‌گرایی و معیار قراردادن «حسن و قبح عقلی» و تعیین موضوعات و مسائل زندگی در فقه بر اساس عرف و حکم عقل، زمینه خوبی برای رشد احزاب سیاسی است؛ از این رو، احزاب اسلامی می‌توانند به‌عنوان سازوکار نهادینه‌سازی آراء و دیدگاه‌های آحاد جامعه، تطبیق احکام ثانویه و سامان‌دهی معقول مطالبات مردم، بر مشارکت سیاسی آن‌ها نقش برجسته‌ای ایفا نمایند.

در مجموع، می‌توان نسبت به خاستگاه احزاب سیاسی از سه رویکرد عام و مشهور یاد کرد: (۱)

«رویکرد نهادی» که حزب را با شکل‌گیری نهادهای جدید سیاسی نظیر پارلمان پیوند می‌دهد؛ (۲) «رویکرد بحران» که از توالی پنج نوع بحران (هویت، مشارکت، مشروعیت، توزیع منابع و نفوذ) و نحوه مواجهه با آن، به‌عنوان خاستگاه احزاب سخن می‌گوید؛ (۳) «رویکرد نوسازی و توسعه» که شکل‌گیری احزاب سیاسی را با توسعه و نوسازی مرتبط دانسته و معتقد است که احزاب سیاسی تنها زمانی زمینه تحقق پیدا می‌کنند که اقداماتی در جهت نوسازی به عمل آورند (دورژه، ۱۳۷۵: ۴۳).

### ۳-۴. مزیت‌ها و معایب احزاب

الف. مزیت‌های احزاب را می‌توان چنین برشمرد: وجود احزاب با طبیعت انسان هماهنگ است؛ موقعیت دموکراسی مستلزم احزاب سیاسی است؛ کشور از آشوب نجات می‌یابد؛ از خطرهای وضع مستقیم قانون اجتناب می‌شود؛ حزب استبداد قوه مجریه را مهار می‌کند؛ اعتبار قوه مقننه افزایش می‌یابد؛ انتخابات آسان می‌شود و حکومت طبقاتی به حکومت مردم تبدیل می‌شود.

ب. اما در مورد معایب احزاب، روسو نظرش این بود که اراده عمومی یا افکار عمومی واقعاً نمی‌تواند در کشوری که احزاب یا فرقه‌هایی فعالیت دارند، خود را نمایان کند. معایب حزب در نظام حزبی را می‌توان چنین برشمرد: پدیده سیاسی خود امر غیرطبیعی است؛ نظام حزبی فرقه‌گرایی را می‌آفریند؛ افراد با استعداد حزب مخالف نادیده گرفته می‌شوند؛ منافع حزب بر ملت ترجیح داده می‌شود؛ ریاکاری و دورویی را تشویق می‌کند و فردیت و هویت انسان را خرد می‌کند؛ چه‌بسا حزب خصوصاً در قالب قدرت سیاسی، رقابت‌ها و مبارزات منفی را دامن بزند و افترا بر دیگران، ترویج دروغ، وعده‌های دروغین انجام‌نیافتنی، اتهام و سرکوب مخالفین را مشروع جلوه دهد.

باید اذعان داشت که بسیاری از معایب احزاب در نظام حزبی در کشورهایی پدیدار می‌شوند که در آن‌ها آگاهی سیاسی زیاد نیست و دموکراسی در مرحله ابتدایی است. در اغلب موارد، معایب نظام حزبی بازتاب ضعف‌های اخلاقی عام بشر هستند. مسئولیت به گروه تنبلی واگذار می‌شود که شور و ذوق سیاسی آن‌ها تنها با نزدیک و دور شدن زمان انتخابات عمومی کم‌وزیاد می‌شود.

### ۴. کاربردها و کارویژه‌های احزاب سیاسی

احزاب عقلانی‌ترین ابزار برای اداره حوزه سیاست و دارای کارویژه‌های مهمی است. کارکردهای احزاب سیاسی را نمی‌توان امری پایدار و ثابت تلقی کرد؛ زیرا آن‌ها با توجه به زمان، مکان و شرایط متغیر هستند. به‌طور کلی، کارویژه‌های احزاب را به نظری و عملی تقسیم کرده‌اند. کارکردهای نظری احزاب را در سه بخش: در سطح جامعه به‌مثابه یک کل، در سطح نظام سیاسی و در سطح زندگی

سیاسی روزمره مطرح نموده‌اند. کارکرد عملی احزاب را نیز به تجمیع منافع، ادغام در نظام سیاسی، اجتماعی، جامعه‌پذیری سیاسی و بسیج رأی‌دهندگان دسته‌بندی کرده‌اند (نوذری، ۱۳۸۱: ۹۰-۸۳). از یک منظر دیگر، کارویژه احزاب را می‌توان به کارویژه‌های پنهان و آشکار تقسیم کرد. منظور از کارویژه‌های پنهان، اهداف و برنامه‌هایی هستند که مورد نظر بانیان آن حزب نبوده و حتی در اهداف و وظایف ثابت آن حزب و سازمان سیاسی به آن‌ها اشاره نشده‌اند؛ اما اهداف آشکار، آن دسته اهدافی هستند که در سازمان تعریف شده و یا در اهداف و برنامه‌های ثابت سازمان، اهداف پیش‌بینی شده‌اند. در ادامه به تحلیل کارکردها و کارویژه‌های مهم احزاب می‌پردازیم که کارآمدی، مشروعیت، ماهیت وجودی و تأثیرگذاری احزاب را در نظام سیاسی یک کشور به نمایش می‌گذارند.

#### ۴-۱. چانه‌زنی و تلاش برای کسب قدرت سیاسی

از عمده‌ترین کارویژه‌های احزاب سیاسی، کسب «قدرت سیاسی» است. در نظام سیاسی یک کشور، یا یک حزب بر آن حاکم است و یا بیرون از حاکمیت به‌عنوان حزب منتقد است. حزب حاکم تلاش خواهد کرد تا به وعده‌ها و طرح‌ها و برنامه‌های خود عمل نموده و از تمامی راه‌کارها و امکانات نرم‌افزاری و سخت‌افزاری استفاده کند تا هم‌چنان قدرت را حفظ نماید. اما حزب و یا احزاب رقیب بیرون از قدرت نیز تلاش خواهند کرد تا با ارائه اشکالات و کاستی‌های حزب حاکم و جلوه‌دادن امتیازات، طرح‌ها و برنامه‌های مفید خود، قدرت را از دست حزب حاکم خارج کند؛ بنابراین، می‌توان به چرخه «حاکم‌بودن» و «منتقدبودن» به‌عنوان جدیدترین و کامل‌ترین کارویژه احزاب و سازمان‌های سیاسی در عصر حاضر اشاره کرد که برای کسب قدرت سیاسی به وجود می‌آید.

در یک کشوری با تکثر احزاب، انواع مختلفی از چانه‌زنی وجود دارد؛ آن‌جایی که یک حزب به‌تنهایی نتواند حکومت را تشکیل دهد، با احزاب دیگر مشغول چانه‌زنی شده و برخی از امتیازات را داده و برای تشکیل حکومت ائتلاف می‌کنند. چانه‌زنی دیگر مجموعه مذاکراتی است که حزب بیرون از قدرت با حزب در رأس قدرت انجام می‌دهد. حزب بیرون از قدرت با گفت‌وگو با پایدار، سیاست‌های حزب حاکم را در راستای نیازها و خواسته‌های خودش سوق می‌دهد و برخی از اعضای حزب و یا هواداران خود را در قدرت با چانه‌زنی سهیم می‌کند، و یا امتیازات دیگری در قبال امتیازدهی به حزب حاکم به دست می‌آورد. نوع دیگر از چانه‌زنی این است که حزب حاکم با حزب بیرون از قدرت وارد چانه‌زنی می‌شود؛ بنابراین، حزب پدیدۀ دائمی است چه قدرت را به دست بگیرد چه بیرون از قدرت باشد؛ حتماً باید مشغول فعالیت بشود. این مهم آن‌جا جلوه روشن می‌یابد که احزاب با نقادی‌ها و چانه‌زنی‌های خود، ارگان‌های سیاسی و حکومت را وادار به ارائه پست‌های مهم برای احزاب می‌کنند

## ۴-۲. برنامه‌سازی و شکل دادن به افکار عمومی

یکی از مهم‌ترین کارویژه‌های احزاب، برنامه‌سازی است. برنامه‌سازی شاه‌کلید توسعه و پیشرفت یک حزب و گروه سیاسی است؛ چرا که کارویژه‌های عملی بدون هدایت و راهنمایی کارویژه‌های نظری، اصولاً کارایی چندانی ندارند (دفتر مطالعات، ۱۳۷۸: ۴۳/۱). تصمیم‌سازی و تدوین برنامه‌های کارآمد، یکی از شاخص‌ترین فعالیت حزب سیاسی است؛ به‌گونه‌ای که از این راستا هم مشروعیت خود را تأمین می‌نماید و هم به‌طور مؤثر در دولت و حکومت تأثیرگذار ظاهر خواهد شد.

از دیگر کارویژه‌های بسیار مهم احزاب سیاسی، سازمان‌دهی و مدیریت افکار و آرای عمومی در جوامع است. بدون شک، افراد گوناگون دارای سلیق و تمایلات و رویکردهای مختلفی هستند. افکار و اندیشه‌های پراکنده برحسب ضرورت و بر اساس اشتراکاتی که دارند، دورهم جمع شده و خواسته‌ها و تمایلات فردی به مطالبات جمعی تبدیل می‌شود. بخشی از مشروعیت هر حکومت با حضور مؤثر افراد اجتماع و تأثیر آن‌ها بر تشکیل قدرت سیاسی به دست می‌آید. در کشورهای تکثرگرا و حزب‌پذیر، مهم‌ترین نقش افراد اجتماع در شکل‌دهی قدرت سیاسی و مشروعیت آن، از طریق احزاب و سازمان‌های سیاسی صورت می‌گیرد.

احزاب و گروه‌های سیاسی در واقع، نقش نمایندگی افکار سیاسی را در ساختار و چرخه قدرت بر عهده داشته و از این جهت، نوعی اطمینان عمومی حاصل خواهد شد که قدرت سیاسی از مسیر اراده عمومی خارج نشده و نظام سیاسی به سمت وسوی دیکتاتوری فردی و گروهی منحرف نخواهد شد. احزاب از طریق ارائه برنامه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تلاش دارد تا افکار عمومی جامعه را به سمت آرمان‌هایی که خودشان تعریف می‌کنند، به آن سمت سوق بدهند و بعد از آن که افکار شکل گرفت، در واقع یکی از ابزارهای مهم احزاب برای عملیاتی کردن اهداف‌شان ساخته و پرداخته شده، گرچه ضد این افکار عمومی نتیجه تلاش احزاب نیست.

ناسی ۱۳۹۴

## ۴-۳. ادغام اجتماعی

انسان‌ها در وضعیت طبیعی، اهداف بسیار ریز قومی، زبانی، طایفه‌ای و نژادی دارند که به آسانی نمی‌توانند به یک انسجام فراگیرتر دست پیدا کنند و به خاطر رسیدن به اهداف متنوع خود، همواره مشغول نزاع با همدیگر هستند؛ اما احزاب این هنر و توانایی را دارند که با طرح آرمان‌های برتر سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، این گروه‌های کوچک و پراکنده را جامعه‌پذیر کنند و یک انسجام به وجود



آورند (شفیعی، ۱۳۸۵) که با این انسجام، به مرور زمان، مرزهای زبان، نژاد، قوم و... کمرنگ شده، همه به سوی همگرایی ملی سوق می‌یابند. این امر، وحدت ملی را در کشور تضمین نموده، گام‌های بلندی در راستای ترقی و آبادانی کشور برداشته می‌شود. از همه مهم‌تر، در خارج و داخل و در تعامل در سیاست خارجی با کشورهای دیگر، به‌خوبی منافع ملی تأمین می‌شود.

#### ۴-۴. نظارت بر قدرت سیاسی و انجام پژوهش‌های علمی

مطالعه و بررسی تاریخ تمدن بشر نشان می‌دهد که قدرت‌های بدون ناظر، در نهایت به سرانجام دیکتاتوری نائل گردیده‌اند. قدرت اسب سرکشی است که ترجیح می‌دهد برای رسیدن به مقصد، بیراهه را انتخاب کند؛ بنابراین، باید یک نهاد متعادل‌کننده قدرت وجود داشته باشد تا بتواند قدرت را با نظارت مهار و کنترل نماید. هر حزبی به‌مثابه چشمی نسبت به حزب حاکم عمل نموده و از کوچک‌ترین خطای حزب حاکم به نفع خود استفاده می‌کند و حزب حاکم خود را تحت نظارت حزب بیرون می‌بیند؛ لذا تلاش می‌کند برنامه‌ها را خوب اجرا کند تا در نوبت دیگر بتواند قدرت را به دست بگیرد. از سوی دیگر، حزب بیرون از قدرت با نظارت بر حزب حاکم و تلاش‌های سیاسی، علمی، فرهنگی و اجتماعی خود، در صدد جلب اعتماد مردم، سیاست‌مداران و نخبگان است تا زمینه مشروع به دست‌گیری قدرت را فراهم کند.

احزاب با جذب مجموعه‌ای از نخبگان فکری و علمی و تبدیل آن‌ها به بخشی از بدنه حزب، پژوهش‌های بنیادین را انجام می‌دهند. بدین‌سان بهترین برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و علمی را برای اجرا به حزب و دولت پیشنهاد می‌کنند. البته، پژوهش‌های علمی و نظام‌مند، فقط در محافل آکادمیک و دانشگاهی میسر است؛ با آگاهی از این مطلب که این مراکز نباید به نیت گوناگون احزاب آلوده شوند. پس باید نخبگان علمی به شیوه‌های متعارف به اندیشه‌ورزی پرداخته و احزاب با آن‌ها تعامل داشته باشند.

#### ۴-۵. جمع‌آوری مطالبات مردم

همه انسان‌ها نمی‌توانند نیازهای پراکنده خود را به دولت منتقل کنند؛ بنابراین، هنر احزاب است که این همه تقاضاها را دسته‌بندی کند تا امکان ارائه به دولت و اجرای آن وجود داشته باشد. دریافت، دسته‌بندی و انعکاس به دولت از طریق احزاب صورت می‌گیرد که رابط بین دولت و مردم‌اند. این بر مفروضاتی استوار است. یکی از مفروضات در هر نظام اجتماعی، نهادهای به رسمیت شناخته‌شده‌اند که یکی دولت و دیگری نهاد مردم است. مفروض دوم، حقوق برای دولت و مردم. سوم وظایفی برای

دولت و مردم تعریف شده و به رسمیت شناخته است که حقوق دولت باید استیفا شود و در مقابل نیز حقوق مردم باید استیفا و مورد توجه قرار گیرد و همین طور وظایف طرفین باید انجام شود. برای این که آن‌ها خوب انجام شوند، ما باید از آن‌ها آگاه شویم. این کارویژه را حزب بر عهده دارد.

احزاب و گروه‌های سیاسی، دیدگاه‌ها، مطالبات و نظریات پراکنده‌ای که می‌توانند در جهت نادرست هدایت شده و موجب بروز مشکلاتی شوند را جمع‌آوری و سازمان‌دهی نموده و از طریق جریان آن‌ها در سیستم نظام سیاسی و فرایند قدرت از آن‌ها بهترین استفاده را بنمایند. احزاب سیاسی در روند پیوند منافع، تکثر و تنوع تقاضاهای خاص را به چند موضوع کلی تبدیل کرده و به مرکز تصمیم‌گیری منتقل می‌کنند. کار حکومت نیز در تصمیم‌گیری بسیار آسان‌تر می‌شود (نقیب‌زاده، ۱۳۶۸: ۷۸). احزاب سیاسی - چه در مقام قدرت و چه در خارج از قدرت - به‌خوبی نقش رابط بین مردم و حکومت را به انجام می‌رسانند. در این نظام‌ها مسئولین و مدیران حکومتی به‌جای مواجهه با اجتماعی از افراد و مطالبات پراکنده و سازمان‌دهی نشده، با احزاب و گروه‌هایی برخورد دارند که مطالبات و خواسته‌های آن‌ها کاملاً روشن و تعریف شده است.

#### ۴-۶. کادرسازی

احزاب پس از جلب نخبگان و فعالان سیاسی، اقدام به تشکیل کادرهای فعال در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... می‌کنند تا بدین طریق سیستم پویا و زنده‌ای را طرح‌ریزی و در طول فعالیت آن سیستم، کادرهای مجرب و کارآزموده را به جامعه تحویل داده و در رگه‌های حیات سیاسی کشور به جریان اندازند. عضوگیری و گزینش افراد مناسب برای مناصب حکومتی، یا به عبارت دیگر تربیت نخبگان سیاسی، تدوین برنامه‌ها و سیاست‌های حکومتی و ایجاد یک نظام مشترک عقیدتی و ایدئولوژیک و یا جامعه‌پذیری سیاسی، نوعی یارگیری و کادرسازی فعال احزاب را به نمایش می‌گذارد. البته، برخی کادرسازی‌ها ضد نظام و یا خرابکارانه است که در تقابل با نظام حکومتی قرار دارد. این مخصوص احزابی است که در بدنه نظام نمی‌گنجد (نقیب‌زاده، ۱۳۶۸: ۷۹). مسلماً کارکرد محوری احزاب، جذب و به‌کارگیری نخبگان است. این امر، به‌نوبه خود، دربردارنده دو مرحله مشخص فرایند انتخابات است: یکی معرفی کاندیداها و دیگر بسیج انتخاباتی. احزاب حامیان انتخاباتی خود را به حمایت از کاندیداهای شان ترغیب می‌کنند و در بعضی از موارد، مشارکت این حامیان را در فرایند انتخاباتی تسهیل می‌کنند.

## ۴-۷. آموزش‌های سیاسی

فرهنگ‌سازی سیاسی؛ یکی از کارویژه‌های احزاب سیاسی، تلاش برای طراحی و ساخت فرهنگ سیاسی جوامع است. فرهنگ سیاسی در این تعریف، نوع نگرش عمومی به مسائل سیاسی و میزان مشارکت عمومی و ارزیابی تأثیر آن است (نقیب‌زاده، ۱۳۳۸: ۷۴). برنامه‌های احزاب که حداقل آگاهی‌های سیاسی را به مردم بدهند، از طریق رسانه‌هایی که در اختیار دارند، به مردم ارائه می‌کنند؛ لذا باید آزادی مطبوعات، سخن، ارتباطات و... وجود داشته باشد. تا بتواند اهداف و خواسته‌های خود را تبلیغ کنند. آن روزی که حزب قدرت را به دست می‌گیرد، اول آسایش آن است. یکی دیگر از کارویژه‌های مهم احزاب که اهمیت آن روز به روز بیشتر می‌شود، اطلاع‌رسانی و آگاه نمودن افراد یک جامعه از تصمیماتی است که در حوزه قدرت اتخاذ می‌شود.

## ۴-۸. ایجاد همگرایی و اتحاد ملی

حزب وسیله اتحاد نظرات مشابه، تدوین آن‌ها به اهداف و ترویج آن آرمان‌ها می‌باشد. احزاب می‌توانند با ایفای نقش حیاتی در همگرایی اجتماعی، شهروندان را قادر سازند به‌طور مؤثر در فرایند سیاسی مشارکت کنند و در صورت موفقیت در انجام این کارکرد احساس کنند که منفعت ثابتی در تداوم این فرایند دارند (نقیب‌زاده، ۱۳۳۸: ش ۳۰، ۱۱). تشکل حزبی یا به‌صورت عضویت مستقیم و ثبت‌شده افراد است و یا به‌صورت هم‌فکری، هواداری و پشتیبانی غیر ثبت‌شده ولی وفادارانه است که در هر صورت نوعی هم‌گرایی و هم‌سویی در جامعه ترویج می‌گردد. حزب با بیان برنامه‌هایی که در راستای خواسته‌های مردم می‌باشند، برای احراز مقام‌های رسمی و دولتی نامزدهایی را معرفی می‌کند. این نامزدها با بهره‌وری از امکانات حزبی، تلاش در کسب هرچه بیشتر آرا خواهند نمود تا به حکم رأی مردم و از طریق انتخابات آزاد، پاسدار و امانت‌دار اعتماد و انتظار مردم برای اداره امور مملکت باشند. این امر به‌طور فزاینده‌ای به اتحاد ملی کمک می‌کند.

حزب از آن‌جایی که نمایندگی منافع همه را به عهده دارد، نوعی هم‌گرایی و انسجام ملی در کشور را به ارمغان می‌آورد. احزاب نمایندگی از گروه‌های اجتماعی گوناگون را بر عهده‌دارند، خواه به‌صورت سمبلیک و خواه به‌وسیله پیشبرد منافع خاص. این کارکرد می‌تواند در حین رقابت انتخاباتی اجرا شود؛ زیرا در این فرایند، احزاب سعی می‌کنند از گروه‌های گوناگونی حمایت کنند. بدین طریق، حزب وحدت و رأفت اجتماعی را در جامعه تأمین می‌کند.

## ۴-۹. فعالیت‌های انتخاباتی

فعالیت‌های انتخاباتی و معرفی کاندیداها، یکی از کارکردهای مهم و حیاتی احزاب به شمار می‌رود؛ لذا احزاب با سازوکار و آموزش سیاسی، جلب و جذب نخبگان و نیروهای مستعد سیاسی، کاندیداها را ریاست جمهوری، پارلمانی و مجالس قانون‌گذاری، شوراهای ولایتی، نمایندگان سیاسی در وزارتخانه‌ها، سفارتخانه‌ها و نمایندگی‌های سیاسی در خارج از کشور را به شیوه‌های گوناگون و متعارف معرفی می‌کنند (داورپناه، ۲۰۰۶: ۴۶-۴۷). فعالیت‌های انتخاباتی، به شکل دادن به افکار عمومی، گزینش نامزدهای ریاست جمهوری یا سایر نهادها، ترتیب و سامان‌دهی کار انتخاب‌شوندگان تقسیم می‌شوند. کارویژه‌های آموزشی انتخاباتی تحت عناوین اطلاع‌رسانی، آموزش نظری و عملی توده‌ها و مشارکت سیاسی و ادغام اجتماعی در سطح فردی، گروهی و جمعی مورد بررسی قرار گرفته است (نقیب‌زاده، ۱۳۷۸: ۷۶-۷۰). در معرفی کاندیداها معمولاً پشتیبانی مالی از طریق دولت و حزب صورت می‌گیرد؛ اما در مواردی، اعضای حزب و توده مردم نیز به نفع کاندیداها پشتیبانی مالی نموده و از آنها در رسانه‌های جمعی و بین مردم تبلیغ می‌کنند.

بنابراین می‌توان گفت کارویژه‌ها، ابزارها و وسایلی هستند که حزب و سازمان سیاسی را به اهداف مهم ذیل می‌رسانند: تبدیل مشارکت توده‌ای به مشارکت نهادمند مدنی؛ ثبات و تداوم نظام سیاسی؛ تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری؛ شایسته‌گرایی؛ تجمیع منافع؛ نظارت بر حکومت‌ها و جلوگیری از استبداد توده‌ای و فردی (دفتر مطالعات، ۱۳۷۸: ۱/ ۴۲-۴۶). اجرای صحیح و روشمند کارویژه‌های فوق، احزاب را بالنده، مترقی، پویا و مدرن می‌سازد. حزبی اگر کارکردهای پیشین را عملیاتی نکند و یا اصلاً چنان عملکردی نداشته باشد، از مرتبه حزبی به گروه‌های دیگر اجتماعی و چه بسا به یک گروه افراطی تنزل می‌یابد.

## ۵. طبقه‌بندی احزاب بر اساس استراتژی و راهبردها

برخی از استراتژی‌های احزاب را می‌توان تعیین خط‌مشی کلی کشور، یا حزب و یا سازمان سیاسی دیگر نام برد که در مقابل دیگر رقبای حزبی، مانند راهبرد رادیکال در مقابل محافظه‌کار، مطرح می‌شوند. اساساً احزاب بر اساس همین استراتژی و راهبردهایی که دارند، از نگاه محتوا، ماهیت و عملکرد قابل شناسایی هستند. این راهبردها در قالب محتوای دینی، ایدئولوژی افراطی، متعادل، تفکرات منفی و مثبت، شیوه‌های رفتاری مسالمت‌آمیز، یا خشن و نوع طبقات اعضا تبیین می‌گردند.

## ۱-۵. احزاب اسلامی

احزاب اسلامی علاوه بر ویژگی‌های سایر احزاب، ویژگی دیگری نیز دارند که آن حاکمیت «دستورات دین اسلام» در تمام حوزه‌ها، زمینه‌ها، اساس‌نامه و به‌طور کلی در همه فعالیت‌های احزاب اسلامی می‌باشند.

حزب در اندیشه معاصر غربی هیچ محدودیتی به‌جز منافع حزب و تا حدودی منافع ملی چیزی دیگری را به رسمیت نمی‌شناسد؛ اما مفهوم حزب در اندیشه اسلامی، سازوکاری در جهت عملیاتی ساختن اصول و قواعد دینی است. هدف حزب یافتن راه‌کارهای اجرایی احکام و دستورات دینی است و همواره در چارچوبی که به‌مثابه خط قرمز فعالیت‌هایش قلمداد می‌شود، فعالیت خود را تنظیم می‌کند؛ از این‌رو، حزب، مولد راه‌کارهای اجرایی و اندیشه در چارچوب منافع ملی و احکام و قواعد اسلام می‌باشد. حد و مرز آزادی آن در چارچوب فرهنگ اسلامی تعریف می‌شود (نوروزی، ۱۳۸۴: ش ۹۰، ۹۶). در احزاب اسلامی «قدرت» از اصالت برخوردار نیست آن‌گونه که در دیگر احزاب کسب قدرت از اصالت برخوردار است. قدرت در حزب اسلامی از اهداف میانی به شمار می‌رود که برای دستیابی و حفظ و گسترش آن تلاش فراوانی صورت می‌گیرد؛ اما در جهت آرمان‌ها، رشد و تعالی معنوی و حفظ اسلام مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد.

حزب در اندیشه اسلامی به گروهی از انسان‌ها اطلاق می‌شود که دارای انسجام و تشکل بوده و در راستای تأمین مصالح مادی و معنوی تلاش می‌کنند یا در جهت تأمین سعادت و ارزش‌های دینی می‌کوشند. در غرب حزب در راستای نیل به قدرت، اما در اسلام نیل به قدرت برای رسیدن به اهداف غایی اسلام نه خود قدرت، تعریف می‌شود. تأسیس ۱۳۹۴

حزبی که در عنوان اسلامی باشد و یا اصول و قواعد اسلامی در کارکردها و استراتژی آن جاری و ساری نباشد و عملکردها، مخالف آموزه‌های دین و ارزش‌های معنوی-مذهبی انجام گیرد، آن حزب از نگاه محتوا و ارزش دیگر یک حزب اسلامی نیست؛ بلکه نام اسلام را در عنوان خود یدک می‌کشد. نمونه‌های این نوع حزب در کشور افغانستان، پاکستان و سایر کشورهای اسلامی قابل مشاهده هستند.

## ۲-۵. احزاب مذهبی سلطه‌گرا یا بنیادگرای مذهبی

این‌گونه احزاب بر پایه قرائت خاص مذهبی اعضای خود فعالیت می‌کنند و تلاش می‌کنند که همین تفکر را در دولت و کشور، حاکم بسازند. احزاب مذهبی بنیادگرا در صدد سازمان‌دهی دولت و جامعه حول یک قرائت ویژه از اصول اعتقادی مذهبی هستند؛ در حالی که احزاب مذهبی غیر بنیادگرا،

کثرت‌گرا و دارای برنامه تدریجی می‌باشند. احزاب مذهبی بنیادگرا<sup>۱</sup> مجال اندکی برای تفاسیر متعارض از هنجارهای مذهبی و متون دینی برای دیگران می‌دهند؛ اما خود هر نوع استفاده و تفسیری را از مذهب و متون دینی به نفع خود روا می‌دانند. در حزب بنیادگرای مذهبی، رهبر حزب، برنامه‌های حزبی و دستورات رهبر، امر مقدس و نااندیشیده انگاشته می‌شود. هیچ‌کسی حق انتقاد از آن‌ها و حق نقد عملکرد حزب و رهبر را ندارد.

احزاب بنیادگرای مذهبی نه تنها به وسیله توسل به اصول عقیدتی و هویت مذهبی و ارائه سیاست‌های منبعث از این اصول، بلکه هم‌چنین از طریق ارائه انگیزه‌های خاص دست به بسیج و حمایت مردم می‌کنند و اغلب طیف گسترده‌ای از کارکردهای رفاه اجتماعی را به انجام می‌رسانند که به عضوگیری و تقویت وفاداری اعضا کمک می‌کند. این شبکه فعالیت‌ها و خدمات سازمان‌یافته اعضا را درون یک خرده‌فرهنگ متمایز محصور می‌سازد. هر چند احزاب بنیادگرای مذهبی احزابی طبقاتی نیستند؛ اما به‌طور گسترده‌ای حمایت فقرا و ستمدیدگان و طبقه متوسط حاشیه‌ای یا به عبارت دیگر گروه‌هایی را که از بی‌عدالتی و فساد شاکی هستند، جلب می‌کنند (اسمیت، ۱۳۷۸: ش ۱۳۹، ۵۹).

### ۳-۵. احزاب رادیکال و تندرو

رادیکال از واژه یونانی «رادیکس» (Radix) به معنای «ریشه» گرفته شده است. رادیکال<sup>۲</sup> به معنای تندرو صفت شخص، مکتب و یا حزبی است که معتقد به تغییرات فوری و اساسی و خواهان دگرگونی بنیادی و فوری در نهادهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی موجود هستند؛ به‌ویژه اگر این تغییرات موجب تعدیل اوضاع اجتماعی و یا برطرف ساختن مفساد ناشی از آن شمرده شود (آقابخشی، ۱۳۸۳: ۵۶۵). این اصطلاح را در انگلستان نخستین بار «چارلز جیفر فاکس»، از رهبران حزب لیبرال، به کار برد (آشوری، ۱۳۵۱: ۱۷۶). فاکس، لزوم «اصطلاحات رادیکال» را اعلام کرد و از آن پس، جناح محافظه‌کار حزب لیبرال به «رادیکال» مشهور شد که در میان آن‌ها شخصیت‌هایی مانند «جان استوارت میل»، «جوزف چیمبرلین» و «دیوید لوید جورج» وجود داشتند. رادیکالیسم به معنای هواخواهی و طرفداری از «دگرگونی‌های بنیادی» جامعه و نهادهای اجتماعی و سیاسی موجود است. رادیکال، از نظر لغوی به معنای اصل و ریشه است و در علوم اجتماعی به آن اندیشه‌هایی می‌گویند که اقداماتی تند و سخت و ریشه‌ای را در بهبود جامعه خواهان‌اند و دگرگونی‌های بنیادی را در امور سیاسی و اقتصادی اجتماعی طلب می‌کنند. پس از آن‌ها لیبرال‌ها و میانه‌روها و بعد محافظه‌کاران قرار دارند. اما مخالف

1. Religious fundamentalist party.

2. Radical.

آن طیف سیاسی مرتجعان هستند که متمایل به بازگشت به گذشته هستند (آشوری، ۱۳۵۱: ۱۷۶).

این احزاب مبتنی بر یک ایدئولوژی رادیکال متمایل به سلطه هستند و سرنگونی نظام سیاسی موجود و اجرای تغییر انقلابی در جامعه را به عنوان هدف دنبال می‌کنند. با توجه به این که اهداف انقلابی این احزاب احتمالاً به شدت مورد مخالفت و شاید سرکوب مخالفان شان قرار می‌گیرد، این احزاب یک ساختار بسته‌ای مبتنی بر هسته شبه‌مخفی را برمی‌گزینند و نه شاخه‌ باز که ویژگی احزاب توده‌ای طبقاتی کثرت‌گرا است. عضویت به شدت گزینشی است و حزب تقاضای وفاداری و اطاعت شدید را از اعضایش دارد.

#### ۵-۴. احزاب ناسیونالیست قومی

این نوع حزب، معمولاً از کتله قومی خاص عضوگیری نموده و بیش‌تر بر منافع قوم خاص در قالب حزب می‌اندیشد. در این مجموعه سیاسی، تلاش‌ها بیش‌تر بر محور دفاع از قوم خاص و پشتیبانی از آن صورت می‌گیرد یا به شکل منفی و افراطی بر نفی دیگر اقوام اصرار می‌ورزد و یا این که به نحو مثبت فقط به دنبال رشد و بالندگی قوم خویش بوده و نسبت به دیگر اقوام ساکت و یا برای رشد آن‌ها نیز برنامه دارند. احزاب مبتنی بر قومیت نوعاً فاقد سازمان گسترده و پیچیده احزاب توده‌ای هستند. اما آنچه بیش از همه این احزاب را متمایز می‌کند، منطق سیاسی و انتخاباتی است. اهداف و استراتژی‌های آن‌ها محدودتر هستند که پیشبرد منافع یک گروه قومی خاص یا ائتلافی از گروه‌ها را دنبال می‌کند. ویژگی معروف احزاب قومی<sup>۱</sup> که به احزاب اجتماعی و فرهنگی خاص‌گرا اشاره دارد، این است که آن‌ها جذابیت خود را به یک گروه خاص از رأی‌دهندگان محدود می‌کنند و آشکارا در صددند تا مرزهایی میان دوستان قومی و دشمنان ترسیم کنند. برخی احزاب ناسیونالیست هستند که تا حدودی با مفهوم حزب ناسیونالیست قومی متفاوت هستند.

**الف. احزاب ناسیونالیستی کثرت‌گرا:** اکثر این احزاب دارای پایگاه عضویت گسترده، اشکال متنوع، سازمان‌دهی حزبی گسترده و همکاری با گروه‌های ثانویه کمکی، به‌ویژه سازمان‌های فرهنگی و گاهی اتحادیه‌های تجاری، هستند؛ نظیر حزب ناسیونالیست باسک اسپانیا و تا اواخر دهه ۱۹۹۰ حزب دمکراتیک شرقی تایوان. حامیان انتخاباتی دائمی این احزاب افرادی خواهند بود که به‌صورت ذهنی خود را متعلق به یک گروه ملی متمایز تعریف می‌کنند.

**ب. ناسیونالیستی افراطی:** این احزاب سلطه‌گرا، به‌ویژه در اشکال نازیسم و فاشیسم، حول شخصیت یک رهبر کاریزما و یک ایدئولوژی سازمان یافته است. ملت یا نژاد را برتر از فرد قرار

1. Purely ethnic party.

می‌دهد؛ از اقلیت‌ها نفرت دارد و آشکارا استفاده از زور به وسیله یک حزب شبه‌نظامی قوی و اغلب متکی به یک گروه شبه‌نظامی اونیفورم‌پوش را تحسین می‌کند. همراهی این نوع حزب با سیطره یک رهبر کاریزما نشان می‌دهد که وجه مشترکی در شرایط اجتماعی و تاریخی که به ظهور احزاب ناسیونالیست افراطی منجر می‌گردند، وجود دارد که سرسپردگی شدید و اطاعت از یک رهبر استثنایی و قادر مطلق را ایجاد می‌کند.

## ۵-۵. احزاب توده‌ای طبقاتی

احزاب توده‌ای، آن دسته از احزابی است که با بسیج طبقه کارگر و یا طبقات خاص تشکیل می‌شود. این گونه احزاب معمولاً دارای پایگاه بزرگ اعضای پرداخت‌کننده حق عضویت است که به منظور ترویج ایدئولوژی خود و جذب اعضای فعال در صدد نفوذ در برخی از حوزه‌های زندگی اجتماعی برمی‌آید. این گونه احزاب دربردارنده ایدئولوژی حزبی خاص یا نظام اعتقادی وحدت‌آفرین است. اکثراً این نوع احزاب دربردارنده انواع متفاوت تعهد به سوسیالیزم، ناسیونالیزم و مذهب هستند. در احزاب توده‌ای طبقاتی، مرکز قدرت و اقتدار در حزب در کمیته اجرایی دبیرخانه حزب قرار دارد؛ هرچند به‌طور رسمی منبع نهایی اقتدار مشروع کنگره حزب است. مذهب از مبانی مهم ایدئولوژیک برای احزاب توده‌ای است. ریشه‌های حزب توده‌ای مذهبی را می‌توان در اواخر قرن نوزدهم در اروپا یافت. این نوع حزب پس از جنگ جهانی دوم به اوج برتری خود رسید. نمونه‌هایی از احزاب فرقه‌ای عبارت‌اند از احزاب دموکرات مسیحی گوناگون اروپای غربی که نقش‌های سیاسی مهمی از جنگ جهانی دوم به این سو ایفا کرده‌اند.

## ۶. احزاب سیاسی و سایر گروه‌های اجتماعی

یکی از اندیشمندان علوم سیاسی، برای احزاب سیاسی چهار شرط عمده مطرح کرده است که این شروط بهترین وجه و ویژگی احزاب جدید بوده و تفاوت این‌ها را با دیگر گروه‌های اجتماعی نشان می‌دهند: الف) حزب دارای اساس‌نامه و تشکیلات پایدار است. با این شرط، تفاوت احزاب جدید با گروه‌ها و دارودسته‌های قدرت‌طلب و وابسته به اشخاص روشن می‌شود. ب) حزب دارای تشکیلات سازمانی و مستقر در یک محل می‌باشد، زیرمجموعه‌هایی دارد که در سطح ملی فعالیت می‌کنند. ج) اراده رهبران ملی و محلی احزاب بر کسب قدرت از طریق قوانین نافذ کشور و چانه‌زنی‌های سیاسی استوار است. گروه‌هایی که از راه اعمال نفوذ یا به‌کارگیری خشونت، ارباب، ترور و قدرت نظامی به دنبال کسب قدرت باشند، حزب سیاسی نیستند. د) حزب در پی کسب حمایت عمومی از





طریق انتخابات، خدمات فرهنگی، آموزش‌های سیاسی، رفع نیازهای مردم از طریق خود و دولت، جذب مردم در خدمات دولتی می‌باشد (لاپالومبارا، ۱۳۸۰: ۶). در ادامه برخی از گروه‌ها و تشکل‌های اجتماعی را تبیین می‌کنیم که تا حدودی تفاوت‌های بنیادین بین این گروه‌ها و احزاب سیاسی نمایان می‌شوند.

## ۱-۶. گروه‌های فشار

گروهی از افراد یا سازمان‌هایی که دارای اهداف مشترک بوده و تلاش کنند خواسته‌های خود را از هر راهی خصوصاً فشار بر حکومت بدون توجه به اصول اعمال کنند، گروه فشار<sup>۱</sup> گویند. این گروه‌ها را می‌توان به گروه‌های فشار اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی تقسیم نمود. آنان تنها به خاطر نفع خود معمولاً مقامات حکومتی یا بخشی از آنها را با اتخاذ تدابیر گوناگون زیر فشار قرار می‌دهند و خواهان کسب قدرت نیستند؛ ولی قدرت را به هر طرفی که خود بخواهند، می‌کشاند. گروه فشار تشکیلاتی غیر حزبی است که به دنبال تأثیرگذاری بر حکومت می‌باشند؛ در حالی که وجه همت آنها به دست‌گیری قدرت سیاسی نیست (کردنائیج، ۱۳۸۵: ۶۸).

گروه‌های فشار و نفوذ تلاش می‌کنند که در تصمیم‌گیری‌های کلان کشور نفوذ نمایند و به خواسته‌ها و منافع‌شان برسند. در برخی مواقع گروه‌های فشار موفق می‌شوند که در کادرهای تصمیم‌گیری‌های کلان کشور راه یابند. با این حال بدون کدام پاسخ‌گویی قانونی به دولت و مردم به دخالت خود ادامه می‌دهند. اما احزاب سیاسی فقط برای کسب قدرت سیاسی تلاش و مبارزه می‌کنند و رهبران‌شان توسط مردم انتخاب نمی‌شوند و بدین لحاظ به مردم هم پاسخ‌گو نیستند (داور پناه، ۲۰۰۶: ۳۰-۳۱). برخلاف گروه‌های فشار، احزاب سیاسی با سازوکار انتخابات، چانه‌زنی سیاسی و ائتلاف برای کسب قدرت و دست‌یابی به تصمیم‌گیری‌های کلان کشور تلاش می‌کنند.

## ۲-۶. گروه‌های چپ و راست

**الف. گروه‌های چپ:** این اصطلاح به افراد، گروه‌های رادیکال، سوسیالیست و کمونیست اطلاق می‌شود که خواستار ایجاد تحول به نفع مردم و مخالف طبقات ممتازند. مشخصات عمومی جناح چپ را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد: دشمنی با مالکیت خصوصی و اعتقاد به مالکیت جمعی؛ دشمنی با طبقه سرمایه‌دار و طرفداری از طبقه کارگر؛ تمایل به برقراری جامعه بی‌طبقه؛ اعتقاد به حقوق بشر و عدالت اجتماعی؛ اعتقاد به پیشرفت و ترقی از طریق انقلاب؛ گرایش‌های ضد ناسیونالیستی؛ اعتقاد به دولت رفاه عمومی؛ دفاع از صلح و محیط زیست و دفاع از آزادی و برابری حقوق مردان و زنان

1. Pressure Group.

(آقابخشی، ۱۳۸۳: ۳۷۴).

ب. **گروه‌های راست:** این اصطلاح به‌طور کلی به افراد، گروه‌ها و احزاب محافظه‌کار و سنت‌گرا گفته می‌شود که خواستار تثبیت وضع موجود و مخالف اصلاحات سیاسی هستند. مشخصات عمومی جناح راست را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد: محافظه‌کاری و مقاومت در برابر اصلاح آزادمنشانه قوانین؛ محافظه‌کاری فرهنگی؛ توجه به حقوق مالکیت؛ اعتقاد به مالکیت خصوصی به‌عنوان شرط لازم اجتماعی؛ اعتقاد به آزادی‌های فردی و اعتقاد به بازار آزاد (آقابخشی، ۱۳۸۳: ۵۹۶)؛ اما احزاب سیاسی متعادل و مشروع، بیش‌تر به این مشخصات توجه نشان نمی‌دهند. اگر چنانچه برخی احزاب به چنین ایدئولوژی‌هایی پایبند باشند، در قالب احزاب توده‌ای طبقاتی- مذهبی طبقه‌بندی می‌شوند.

### ۳-۶. گروه‌های اصلاح طلب

هر نوع اقدام برای تغییر و تعویض برخی از جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، بدون دگرگون کردن اساس دولت و جامعه، را اصلاح‌طلبی گویند. مهندسی اجتماعی یا نقشه‌کشی اجتماعی یکی از انواع اقدامات اصلاحی است که معمولاً برای جلوگیری از نهضت انقلابی صورت می‌گیرد (آقابخشی، ۱۳۸۳: ۵۷۵). اصلاح از دیدگاه جامعه‌شناسی سیاسی به اقداماتی گفته می‌شود که برای تغییر و تعویض برخی از برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی صورت می‌گیرد، بدون آن که بنیاد جامعه را دگرگون کند و از چارچوب نظام اجتماعی موجود فراتر نمی‌رود (علی بابایی، ۱۳۶۹: ۲۴۵).

تغییراتی که در یک جامعه روی می‌دهد، اگر بنیادی نباشد و جامعه را از بنیاد و ساختمان اصلی و نظامات حاکم بر آن را دگرگون نسازد، بلکه آن‌ها را برای بهبود اوضاع به وجود آورد، اصلاحات گفته می‌شود. در یک کلام می‌توان گفت که حرکت یا خیزش غیر بنیادین برای پیش‌گیری از انقلاب یا برای حفظ و تداوم نظام موجود را «اصلاح‌طلبی» می‌گویند.

اصلاح‌طلبی<sup>۱</sup> هواداری از سیاست تغییر زندگی اجتماعی، اقتصادی یا سیاسی با روش‌های ملایم و بدون شتاب می‌باشد. بر این اساس، واژه اصلاحات در مقابل واژه انقلاب<sup>۲</sup> مطرح است که انقلاب به یک دگرگونی سریع، کامل و گاه خشونت‌آمیز در ارزش‌ها، ساختار اجتماعی، نهادهای سیاسی، سیاست‌های حکومتی و رهبری سیاسی- اجتماعی اطلاق می‌شود. اصلاح‌طلبی به‌طور کلی در برابر محافظه‌کاری و انقلاب‌خواهی قرار می‌گیرد (آشوری، ۱۳۷۶: ۷۲).

دو اصطلاح دیگر «دسته» و «فرقه» از مفاهیمی هستند که در مقابل حزب قرار می‌گیرند. دسته به هر

1. Reformism.

2. Revolution.

نوع گروهی گفته می‌شود مانند صنفی، دینی، سیاسی و... ممکن است که اعضای دسته دارای سازمان و تشکیلات هم نباشند و به طور اتفاقی گرد هم آمده باشند یا این که اجتماع آنان در فاصله‌های زمانی نامعین و به گونه نامنظم تشکیل شود؛ اما واژه فرقه از «دسته» دقیق‌تر است و پیش‌تر پیروان یک دین و مذهب را گویند که فعالیت‌های فراتر از یک حزب سیاسی برای آن قابل تعریف است. یک فرقه الزاماً به دنبال کسب قدرت سیاسی مانند احزاب نیست؛ اما می‌توان گفت در نظام‌های دموکرات و جامعه متعادل، یک فرقه مذهبی برای کسب قدرت به تنهایی و یا با اتحاد با دیگران، تلاش نمایند.

## ۶-۴. گروه‌های اصول‌گرا

اصول‌گرایی به معنای پای‌بندی به اصول و ارزش‌های خاص است. گرچه بعضی‌ها از اصول‌گرایی به بنیادگرایی<sup>۱</sup> نیز تعبیر می‌کنند که عبارت است از جنبشی در چارچوب یک دین یا آیین سیاسی که گرایش به شکل اصلی و ارزش‌های اولیه آن دین یا آیین سیاسی دارد. بنیادگرایی دو اطلاق مثبت و منفی دارد؛ مثبت آن اصولی بودن و تمسک به اصل است و کاربرد منفی آن قشری‌گری و تمسک به ظواهر می‌باشد (آشوری، ۱۳۷۶: ۲۶۱). امروزه، در ادبیات سیاسی معمولاً بنیادگرایی تنها با کاربرد منفی و قشری‌گری که با تحجر و واپس‌گرایی یکسان است، مورد توجه قرار می‌گیرد. اردوگاه مخالفین اسلام و برخی نهادها و افراد مغرض، به طور کلی همهٔ مسلمانان را بنیادگرا، واپس‌گرا و متحجر می‌دانند؛ در حالی که اسلام مخالف هرگونه تحجر و واپس‌گرایی بوده و در عین توجه به مبانی و اصول و حاکمیت آن‌ها، به تمامی زمان‌ها و نیازهای بشر توجه نموده و برنامه دارد.

برخی تحجرگرایی و قشری‌نگری که در بین بعضی از پیروان ادیان خصوصاً مسلمانان تا کنون به چشم می‌خورد، این بر اثر فهم و تفسیر مغرضانهٔ آنان از دین و آموزه‌های دین است که با غرض‌های شیطانی آموزه‌های ادیان آسمانی چون یهود، مسیح و اسلام را به نفع و رأی خود تفسیر نموده و از آن‌ها سوء استفاده کرده‌اند. ادیان و حیاتی-الهی و آموزه‌های آن که برگرفته از وحی و دستورات خدای مهربان هستند، ذرهٔ ظالمانه و منحرف‌کننده نیستند؛ چنانچه ابوسعید ابوالخیر می‌گوید: اسلام به ذات خود ندارد عیبی/هر عیب که هست از مسلمانی ماست.

## ۶-۵. گروه‌های محافظه‌کار

مجموعه‌ای از اندیشه‌هایی که نهادهای کهن و ریشه‌دار را از آنچه نو و نیاز بوده ترجیح دهند، محافظه‌کار گویند. این اصطلاح در برابر تندروی است که از اساسی‌ترین ویژگی آن به شمار می‌رود.

1. Fundamental.

از نگاه محافظه‌کاران انقلابی‌ها و رادیکال‌ها (تندروها) بر اساس هدف‌های صرفاً نظری و مکتبی می‌خواهند بسیاری از نهادهای ارزشمند اجتماعی را از میان ببرند. محافظه‌کار به هر فرد یا گروهی گفته می‌شود که به دنبال تأیید وضع موجود و مقاومت در مقابل تغییر و دگرگونی است (آشوری، ۱۳۷۶: ۲۹۸؛ آقابخشی، ۱۳۸۳: ۱۲۸).

دو اصطلاح «جناح» و «جبهه» خیلی نزدیک به مفهوم حزب به نظر می‌رسند؛ اما در ادامه مطالعه می‌کنیم که این دو تفاوت‌های اساسی با حزب دارند.

**الف. جناح:** مجموع گروه یا گروه‌هایی که با اهداف و دیدگاه‌های مشترک در کوتاه‌مدت و یا بلندمدت به منظور رقابت و کسب قدرت سیاسی، در داخل یک حکومت یا حزب گرد هم می‌آیند، بدون این که دارای ماهیت رسمی و شخصیت حقوقی باشند. جناح را بخشی از یک واحد یا جریان سیاسی دانسته‌اند که تشکلی است لزوماً مداومت ندارد و بنا بر ضرورت و به مناسبت‌هایی چون انتخابات پارلمانی یا ریاست‌جمهوری و... تشکیل می‌شود.

**ب. جبهه:** سازمانی که نمایندگان سیاسی طبقات و اقشار مردمی برای نیل به یک هدف مشترک در آن متحد می‌شوند و به خاطر منافع مشترکی که در برنامه جبهه منعکس می‌شود، مبارزه می‌کنند. جبهه ۲ با حزب فرق دارد؛ زیرا حزب، سازمان یک طبقه یا گروه اجتماعی و یا حتی بخشی از یک طبقه است که بر اساس منافع آن طبقه یا گروه اجتماعی تشکیل می‌شود و هدف آن، مبارزه در راه تحقق آن اهداف و نیل به آن منافع است (آقابخشی، ۱۳۸۳: ۲۵۹).

## ۶-۶. انجمن، تشکل، ائتلاف و اپوزیسیون

**الف. انجمن:** ۳. بیشتر به گروه‌های رسمی گفته می‌شود و شامل تشکلی از اشخاص حقیقی یا حقوقی است که برای پیگیری اهداف مشترک گرد هم می‌آیند؛ اما ارگان، رسانه‌ای است که ناشر اندیشه و سیاست یک حزب، مؤسسه و گروه باشد. این واژه هم‌چنین به معنای تشکیلات و سازمان نیز به کار رفته است (آقابخشی، ۱۳۸۳: ۱۶۳). از دیگر مفاهیم جمعی، «صنف» و «سندیکا» هستند که در فارسی، به‌ویژه در اصطلاح زبان حقوق، دو واژه مترادف‌اند و به گروه‌هایی گفته می‌شوند که فقط برای پاسداری از منافع اقتصادی اعضای گروه ایجاد می‌شوند و در موقعیت عادی فعالیت سیاسی ندارند.

1. Faction.
2. Front.
3. convocation, Union.

ب. تشکل<sup>۱</sup>: از نظر لغوی به معنای صورت گرفتن چیزی است و از نظر اصطلاحی به معنای تشکیلاتی است که توسط گروهی از اشخاص حقیقی معتقد به آرمان‌ها و مشی سیاسی معین، تأسیس شده است. تشکل‌ها در مقایسه با جناح‌ها به ساختار حزبی نزدیک‌ترند و دارای ارتباط تشکیلاتی هستند (دارابی، ۱۳۸۸: ۵۰).

ج. ائتلاف<sup>۲</sup>: این مفهوم به هم پیوستن چند حزب و گروه سیاسی باهم برای تشکیل حکومت یا کمک به یک حکومت و فعالیت‌های حزبی را گویند. معمولاً ترکیبی از بازیگران احزاب سیاسی هستند که برای بردن یک بازی انتخاباتی، یا تشکیل دولت و یا ایجاد گروه فشار بر دولت حاکم، به نحو موقت با هم اتحاد سیاسی را شکل می‌دهند (مک لین، ۱۳۸۱: ۱۶۳).

د. اپوزیسیون: در زبان فرانسه به معنای مخالفت یا مخالفان سیاسی قدرت حاکم را گویند. در معنای وسیع کلمه، آن عبارت از کوشش اتحادیه‌ها، احزاب، گروه‌ها، دسته‌ها و افراد برای دستیابی به هدف‌هایی در جهت مخالف اهداف صاحبان قدرت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است. این اهداف را با استفاده از شیوه‌های پارلمانی، خواه با شیوه‌های دیگر دنبال می‌کنند. در تعریف دیگر، مجموعه افراد و سازمان‌های سیاسی مخالف دولت مستقر را اپوزیسیون<sup>۳</sup> می‌گویند (آشوری، ۱۳۷۹: ۸). مخالفان سیاسی در داخل نظام سیاسی (در داخل کشور با پذیرش قوانین داخلی) و خارج از سیستم حکومت برای نیل به اهداف خود فعالیت‌های سیاسی می‌کنند.

## ۶-۷. گروه‌های باغی

بغی به معنای از حق و طریق حقیقت روی گردان‌شدن، عضیان و سرکشی و سلطه‌جویی کردن و به ستم‌گری پرداختن و متجاوز شدن آمده است (معلوف، ۱۳۷۸: ۱۵۰). می‌توان گفت بغی در لغت به معنای درخواست و طلب همراه با تجاوز است که گاهی این تجاوز پسندیده و گاهی ناپسند است. در اصطلاح فقه و حقوق اسلامی از بغی تعاریفی مختلفی ارائه شده است که می‌توان گفت قدر مشترک همه آن‌ها «شورش مسلحانه علیه امام» است (محقق حلی، ۱۴۱۵: ۳۸۵؛ عوده، ۱۴۱۳: ۶۷۴). بعضی از فقها بغی را خروج یک نفری و یا جمعی بر امام معصوم تعریف نموده‌اند (جبعی عاملی، ۱۴۰۳: ۴۰۷)؛ اما بسیاری از فقها بغی را بر خروج بر نایب امام معصوم نیز تسری داده و بغی را به خروج بر امام عادل تعریف کرده‌اند. از جمله مرحوم کاشف‌الغطاء گفته است: هر کس علیه امام معصوم (ع) و یا نایب او خروج کند و از فرمان او سرپیچی نماید و امر او را اطاعت نکند و نهی او را ترک نماید و

1. Formation.
2. Coalition.
3. Opposition.

یا با او از راه ترک زکات و یا خمس مخالفت ورزد و یا حقوق شرعی او را ندهد، باغی است (کاشف الغطاء، ۱۴۲۲: ۴۰۳).

امروزه، گروه‌هایی که علیه نظام مشروع اسلامی دست به عملیات مسلحانه بزنند و نظم و امنیت کشور و جامعه را تهدید کنند، باغی محسوب می‌شوند. امنیت اجتماعی و نظام سیاسی که حیات و آسایش مردم مدیون آن‌ها هستند، همیشه خط قرمز جامعه و نظام سیاسی بوده و مانند عقل، دین، جان، مال و ناموس در اسلام، مبنای جرم‌انگاری قرار می‌گیرند. گروهی اگر علیه نظام مشروع قیام مسلحانه راه اندازند، از نگاه قوانین بین‌المللی و داخلی کشورها به‌عنوان اخلاک‌گر نظم و امنیت سیاسی و اجتماعی و به جرم خیانت به کشور مجازات سنگینی چون حبس ابد و یا اعدام را متحمل خواهند شد؛ بنابراین، اگر فعالیت‌های یک حزب در قالب بغی و باغی قرار گیرند، آن حزب دیگر در مجموعه احزاب سیاسی قابل طبقه‌بندی نیست؛ بلکه با آنان از نگاه جرم و مجازات به عنوان باغی برخورد می‌شود.

## ۶-۸. گروه‌های شورشی

فرد یا مجموعه‌ای را که با اهداف شخصی غیر سیاسی اقدام به فعالیت‌های علیه حکومت کنند که گاهی مقدمه حرکت انقلابی قرار می‌گیرند، گروه شورشی<sup>۱</sup> گویند. این گروه‌ها در بسیاری از مواقع از همراهی مردم، از یک ایدئولوژی و برنامه‌ای برای تغییر نهادهای سیاسی و اجتماعی بی‌بهره هستند. بسیاری از شورش‌ها در مدتی کوتاه اوج می‌گیرند و فرو می‌نشینند. شورش، بروز امواج ناراضیاتی در میان یک قشر یا اقشاری از جامعه علیه نظام حاکم است که منجر به طغیان ناگهانی آن‌ها می‌گردد. اما هدف نهایی هر شورش، تحقق یک خواست اجتماعی است که ممکن است از سوی حکومت گران پذیرفته شود یا رد گردد. شورش، ممکن است موجب ایجاد تغییراتی در سیاست‌ها، رهبری و یا نهادهای سیاسی جامعه شود؛ ولی ساختار و ارزش‌های مسلط سیاسی و اجتماعی را دگرگون نمی‌سازد؛ زیرا هدف شورش، تنها نفی تغییر است، بدون آن که جایگزینی برای نظام در نظر داشته باشد (محمدی، ۱۳۷۰: ۳/ ۴۵).

عده‌ای اگر بدون هماهنگی و بدون مقاصد سیاسی بر اثر محرک خاصی دست به آشوب بزنند و نظم جامعه را مختل کنند، به این پدیده شورش می‌گویند. معمولاً، در آشوب‌ها ابتدا هدایت خاصی وجود ندارد و پس از مساعد شدن زمینه، آهنگ آن تغییر می‌کند و توسط گروه‌های فرصت‌طلب مدیریت می‌شود و چه بسا که در کشمکش‌های سیاسی سوء استفاده‌های بسیاری صورت بگیرد و بسترهای

1. Group of insurgent.

زیادی برای نامنی ایجاد شود.

وقتی شورش به تخریب اموال عمومی، به کاربری اسلحه و سرنگونی نظام تغییر هویت دهد، دیگر ماهیت اولیه خود را از دست می‌دهد و نمی‌توان نام آن را آشوب نهاد. خصوصاً اگر این نوع شورش از سوی کشورهای بیگانه هدایت و حمایت شود چه پنهان و چه آشکار، بدیهی است که دیگر اقدام سیاسی تلقی نمی‌شود؛ بلکه با آن‌ها به عنوان باغی برخورد خواهد شد. اساساً بار معنایی «شورش» منفی است؛ ولی اگر کسانی یا گروهی یا جامعه‌ای از وضعیت موجودشان ناراضی باشند، از هر آشوب و شورش خوشحال می‌شوند، پس این اشتباه است که شورش را در یک موقعیت مثبت ببینیم و در موقعیت دیگر نه. منفی بودن عنوان «شورش» به معنای به‌جا نبودن اعتراض آنان نیست، ممکن است به ستوه آمده باشند (جعفر سید، ۱۳۹۰: ش ۲۷۱۵).

## ۶-۹. گروه‌های محارب

واژه محاربه از ریشه حرب اخذ شده که ضد سلم و صلح است و منظور کسانی است که صلح و امنیت جامعه را برهم می‌زنند. مفهوم محاربه در اصطلاح عبارت است از برکشیدن سلاح به قصد ارباب و سلب آزادی و امنیت مردم. محقق حلی در تعریف محارب گفته است: محارب کسی است که برای ترساندن مردم سلاح بر روی آن‌ها بکشد (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۱۸۰/۴). در جواهر الکلام علاوه بر این تعریف، حمل سلاح برای ترساندن مردم را نیز از مصداق محارب دانسته است: کسی که برای ترساندن مردم سلاح حمل کند نیز محارب است. (نجفی، ۱۴۰۴: ۵۶۴/۴۲)؛ اما بنا بر قول مشهور، همراه داشتن اسلحه کافی نیست. به هر حال چنین گروهی در زمره احزاب قرار نمی‌گیرد.

هر فرد یا گروهی که به قصد ارباب، ترس و یا قتل مردم سلاح حمل نمایند و آن را بر روی مردم بکشند یا راه‌ها را بر مردم ببندند و مردم را مورد ضرب و جرح قرار دهند و سرقت کنند، محارب و مفسد فی الارض هستند. این گونه اعمال از نگاه حقوق اسلامی و حقوق بین‌الملل جرم شناخته شده‌اند و برای آن‌ها مجازات معین در نظر گرفته‌اند. به موجب آیه ۳۳ سوره مائده، در قرآن کریم و قوانین جزای اسلامی، مجازات حد محاربه و افساد فی الارض یکی از چهار چیز: قتل، به دار آویختن، اول قطع دست راست و سپس پای چپ و نفی بلد، به نسبت اوضاع و شرایط برای آنان پیش‌بینی شده است. بنا بر این، هر گروهی که علیه دولت و مردم دست به فعالیت‌های نظامی بزنند، با ارباب، کشتار، بمب‌گذاری، دهشت‌افکنی در شهرها، راه‌ها و قریه‌جات مردم را بترسانند و بکشند و زیرساخت‌ها را تخریب کنند، از مصادیق روشن محارب، مفسد فی الارض و تروریسم به شمار می‌روند. جرم این نوع گروه‌ها از نوع جرم سیاسی و شورش نیست که حاکمان با آن‌ها به عنوان مجرم سیاسی برخورد کنند؛

بلکه جرم این‌ها جرم محارب، مفسد فی الارض و اقدام علیه امنیت کشور بوده و مجازات‌شان یکی از چهار جرم مشخص شده محارب می‌باشد. از منظر حقوق بین‌الملل جزایی (حقوق جزای خارجی) و حقوق جزای بین‌الملل (حقوق جزای داخلی)، این‌گونه اعمال و رفتار اقدام علیه امنیت کشور و خیانت به کشور محسوب می‌شوند که عاملان به‌عنوان مجرمین تروریستی مورد محاکمه قرار می‌گیرند.

## نتیجه‌گیری

حزب، تشکل سازمان‌یافته و دارای اساس‌نامه است که برای رسیدن به اهداف خود، در داخل مرزهای یک نظام سیاسی فعالیت می‌کند. حزب به شکل امروزی در کشورهای اسلامی وام‌گرفته از دو فرهنگ دینی و غربی است. در عصر حاضر با توجه به عواملی چون بهینه‌سازی حکومت، کارآمدی نظام سیاسی، نیازمندی‌های جدید مردم، دموکراسی و تکثرگرایی سیاسی و اعتقادی، ضرورت دارد که احزاب سیاسی شکل بگیرند. کارکردهای احزاب سیاسی چون ایجاد هماهنگی و انسجام ملی، نظارت بر قدرت سیاسی و تلاش نرم برای کسب قدرت، امنیت سیاسی، اجتماعی و توسعه متوازن را به کشور هدیه می‌دهند. نظام‌های تک‌حزبی، قدرت را به دیکتاتوری و توتالیتر سوق می‌دهند، اما نظارت احزاب رقیب، تکثرگرایی، هم‌پذیری اقوام، رفتار حکومت‌ها از استبدادی به نظام سیاسی متعادل تغییر می‌یابند.

احزاب سیاسی بر اساس محتوا، ایدئولوژی و سهم‌گیری در حکومت استراتژی و راهبردهای گوناگونی را اتخاذ می‌کنند. احزاب سیاسی بر پایه درون‌مایه دینی به احزاب اسلامی، مسیحی و... بر اساس شیوه‌های رفتار به احزاب رادیکال و راست و مطابق گرایش‌های فکری اعضا، به قومی، ناسیونالیست، طبقاتی و... تقسیم می‌شوند.

احزاب سیاسی از نگاه محتوا، عملکرد، کارویژه و راهبرد، با گروه‌های اجتماعی و تشکل‌های موقت سیاسی تفاوت بنیادین دارند. شاخص مهم احزاب، تلاش نرم و فرهنگی سازمان‌یافته بدون استفاده از زور اسلحه برای دستیابی به قدرت سیاسی و خدمات اجتماعی می‌باشد. اما گروه‌های اجتماعی سامان‌مند نبوده و چه‌بسا برخی از آن‌ها چون محارب، باغی‌ها و شورشیان مسلح، دست به قتل و کشتار مردم و ایجاد وحشت و ترس و تخریب اموال دولتی و ملکی می‌زنند. اعضای آن گروه‌ها باید به‌عنوان جنایت‌کار تحت پیگرد محاکم قضایی ملی و بین‌المللی قرار گیرند.

امروزه، واقعاً نمی‌توان ادعا کرد که احزاب در کشورهای اسلامی و غرب، همان احزاب متعارف و آرمانی هستند؛ خصوصاً احزاب در افغانستان ملغمه‌ای از مدرن، سنتی، قومی، دینی، ناسیونالیستی و... قابل مشاهده هستند. البته باید توجه داشت که برخی از گروه‌ها در کشورهای اسلامی با زمینه‌های افراطی وام‌گرفته از تفکر وهابیت، القاعده و... نه با تعریف احزاب مدرن که با احزاب سیاسی



کشورهای در حال توسعه و جهان سوم هم سازگار نیست. از نگاه شورای امنیت ملل متحد، بسیاری از آنان در جمع گروه‌های تروریستی طبقه‌بندی شده‌اند.

## منابع

۱. اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۸)، «حزب و تحزب در اندیشه اسلامی»، فصلنامه مطالعات اسلامی، شماره ۸۲.
۲. اسمیت، بی سی (۱۳۷۸)، «احزاب سیاسی و کثرت‌گرایی در جهان سوم»، ترجمه امیرمحمد حاج‌یوسفی، فصلنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۱۴۰.
۳. اشپلنگر، اسوالد (۱۳۶۹)، فلسفه سیاست، ترجمه هدایت‌الله فروهر، تهران، وزارت ارشاد اسلامی.
۴. اصفهانی، راغب (۱۴۲۳)، المفردات فی غریب القرآن، قم، انتشارات ذوی القربی، چاپ دوم.
۵. ایوبی، حجت‌الله (۱۳۷۶)، پیدایی و پایانی احزاب سیاسی در غرب، تهران، انتشارات سروش.
۶. آشوری، داریوش (۱۳۷۶)، دانش‌نامه سیاسی، تهران، انتشارات مروارید، چاپ چهارم.
۷. آقابخش، علی و مینو افشاری‌راد (۱۳۸۳)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، انتشارات چاپار.
۸. بیات، عبدالرسول و دیگران (۱۳۸۱)، فرهنگ واژه‌ها، قم، انتشارات مؤسسه اندیشه و فرهنگ دینی.
۹. پیشه‌وری، احمد (بی‌تا)، درس‌نامه جامعه‌شناسی سیاسی، تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
۱۰. جبعی عاملی، زین‌الدین بن علی (۱۴۰۳)، مسالک الافهام فی تنقیح شرائع الاسلام، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه.
۱۱. جعفر، سید (۱۳۹۰)، شورش، خیزش، جنبش، مردم‌سالاری، ۲۷۱۵، ۱۳۹۰/۶/۳.
۱۲. حر عاملی، محمد بن الحسن (۱۴۰۳)، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۳. دارابی، علی (۱۳۸۸)، جریان‌شناسی سیاسی در ایران، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۴. داویناه، هرمز (۲۰۰۶)، متون انگلیسی سیاسی ۲، قم، انتشارات مهر.
۱۵. دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور (۱۳۷۸)، مجموعه مقالات تحزب و توسعه سیاسی، ج ۱، تهران، انتشارات همشهری.
۱۶. دورژه، موریس (۱۳۵۷)، احزاب سیاسی، ترجمه رضا علومی، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۱۷. دورژه، موریس (۱۳۴۹)، اصول علم سیاست، ترجمه ابوالفضل قاضی شریعت‌پناهی، تهران، انتشارات فرانکلین.
۱۸. سجادی، عبدالقیوم (۱۳۸۷)، مبانی تحزب در اندیشه اسلامی، قم، بوستان کتاب.
۱۹. سو، الوین ی (۱۳۷۸)، «تغییر اجتماعی و توسعه» ترجمه محمود حبیبی مظاهری، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲۰. شفیع، محمود (۱۳۸۵)، جزوه تحولات سیاسی اجتماعی ایران (ب)، دانشگاه مفید.
۲۱. عالم، عبدالرحمن (۱۳۷۵)، بنیادهای علم سیاست، تهران، نشر نی، چاپ دوم.
۲۲. علی بابایی، غلامرضا (۱۳۶۹)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، شرکت نشر و پخش.

۲۳. عماره، محمد (۱۹۹۷)، الاسلام و التعدده، دار الرشاد.
۲۴. عوده، عبدالقادر (۱۴۱۳)، التشريع الجنائي الاسلامي، بيروت، مؤسسة الرسالة، الطبعة الثانية عشر.
۲۵. فاضل هندی اصفهانی، محمد بن حسن (۱۴۰۵)، كشف اللثام عن القواعد الاحكام، قم، كتابخانه آيت الله مرعشي نجفی.
۲۶. فيرحی، داوود (۱۳۷۸)، «مبانی فقهی و کلامی حزب در مذهب شیعه»، مجموعه مقالات تحزب و توسعه سیاسی، ج ۳، تهران، انتشارات همشهری.
۲۷. کاشف الغطاء، جعفر بن خضر (۱۴۲۲)، كشف الغطاء، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول.
۲۸. کردنائیج، اسدالله (۱۳۸۵)، «نقش گروه‌های فشار در شکل دهی خط مشی عمومی»، فصلنامه مدیریت فرهنگ سازمانی، شماره ۸۳.
۲۹. لاپالومبارا، جوزف (۱۳۸۰)، بحران‌ها و توالی در توسعه سیاسی، ترجمه غلامرضا خواجه سروی، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۳۰. مجتهد شبستری، محمد (۱۳۷۹)، نقدی بر قرائت رسمی از دین، تهران، طرح نو.
۳۱. محقق حلی، ابوالقاسم نجم‌الدین جعفر بن حسن (۱۴۰۸)، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام، تحقیق عبدالحسین محمد علی، بیروت، دار الأضواء، چاپ دوم.
۳۲. محمدی، منوچهر (۱۳۷۰)، تحلیلی بر انقلاب اسلامی، تهران، انتشارات امیر کبیر.
۳۳. محمدی نژاد (۱۳۵۵)، احزاب سیاسی، تهران، انتشارات امیر کبیر.
۳۴. مصطفوی، حسن (۱۳۶۱)، التحقیق فی کلمات القرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۳۵. معلوف، لویس (۱۳۷۸)، المنجد فی اللغة و الاعلام، قم، انتشارات قدس، چاپ چهارم.
۳۶. معین آبادی، نوسازی و دگرگونی سیاسی، جزوه درسی دانشگاه مفید.
۳۷. مک لین، ایان (۱۳۸۱)، فرهنگ علوم سیاسی آکسفورد، ترجمه حمید احمدی، تهران، نشر میزان.
۳۸. نجفی، محمدحسن (۱۳۶۸)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، تحقیق عباس قوچانی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ سوم.
۳۹. نقیب‌زاده، احمد (۱۳۷۸)، حزب سیاسی و عملکرد آن در جوامع امروز، تهران، انتشارات دادگستر.
۴۰. نقیب‌زاده، احمد (۱۳۶۸)، «عملکرد و نقش احزاب سیاسی در جوامع امروزی» فصلنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۳۰.
۴۱. نوذری، حسین علی (۱۳۸۱)، احزاب سیاسی و نظام‌های حزبی، تهران، نشر گستره.
۴۲. نوروزی، محمدجواد (۱۳۸۴)، جایگاه حزب در اسلام، بررسی دیدگاه‌ها، مجله معرفت، شماره ۹۰.
۴۳. یعقوب، احمدحسین (۱۴۱۲)، النظام السياسي فی الاسلام، قم، انتشارات انصاریان.